

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۸ نومبر ۲۰۱۲

برگشت امپریالیسم روس به افغانستان

افغانستان در سه دهه اخیر، دست به دست استعمار گشته است. سوسیال امپریالیسم شوروی جای خود را به امپریالیسم امریکا و استعمار انگلیس و ناتو داد. خروج اجباری اما قسمی عساکر امریکا و ناتو از افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴، بار دیگر زمینه برگشت امپریالیسم – شوونیسم روس را میها خواهد ساخت. البته نه اسلام آباد و نه تهران و ریاض صرفاً نظاره گر خواهند ماند. این قدرت ها هم به تاخت و تاز خود در افغانستان ناتوان و مستعمره ادامه خواهند داد. اف اس بی خلف کی جی بی (KGB)، سلول های خفته خود را دوباره احیاء خواهد کرد و مزدورن سابق خود را در خلق و پرچم همراه با پیروان احمد شاه مسعود و ربانی برای یورش سیاسی نظامی اش بسیج خواهد ساخت. حامد کرزی و برادران آلوده اش برای بقاء و ادامه حیات غیر شرافتمندانه شان هم به هرگونه خیانت تن در داده و چند صباحی خود را در اختیار روس قرار خواهند داد. خیانت به میهن قوم و نژاد و مذهب نمی شناسد.

سایت پرآودا به تاریخ ۲۰ نومبر گزارش داد که "روسیه تصمیم دارد که بعد از خروج قوای غرب از افغانستان به این کشور برگشته و فعالیت خود را استحکام و توسعه بخشد." حامد کرزی مزدور که توسط سی آی ای در سال ۲۰۰۱ به اریکه قدرت رسانیده شده است، آماده همکاری بوده و هدایت داده است که یک مرکز فرهنگی روسیه در کابل اعمار گردد. این مرکز در سال ۲۰۱۴ یعنی زمان خروج قسمتی از قوای متجاوز امریکا و ناتو افتتاح خواهد شد. این یک خیر و حادثه دردناک برای تمام قربانیان تجاوز شوروی سابق و مزدوران خلقی – پرچمی تلقی می گردد. شوروی و یا روسیه، همیشه افغانستان را در حوزه نفوذ خود پنداشته و عقب نشینی تکنیکی را موقتی می داند. قشر حاکم افغانستان در گذشته بعد از شکست استعمار برتانیه در هند، به مسکو رو آورده که روزگاری هم ماندگار شدند. تردیدی نیست که کرزی و سایر مزروران اجانب محاسبه جدیدی در پیش دارند و بازگشت روسیه را خواه به رضا و یا اجبار می پذیرند. ممکن کرزی به این تصور باشد که توانائی و مهارت بازی های سیاسی را در بین قدرت های جهانی دارد و طوری هم جلوه گری می نماید که گویا او شخص ملی گرا و مستقل است و در تصامیم مهم سیاسی منافع افغانستان را در نظر می گیرد. نجیب هم در سالیان اخیر حیات سیاسی اش به چنین

ابتکارات کودکانه دست زد تا نام "نیکه" از خود در تاریخ به جا بگذارد. حامیانش تا اکنون هم مذبحخانه تلاش می‌ورزند اما چیزی نصیب شان نمی‌شود.

مردم ستم کش ما هنوز خاطره تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی را که سلف به حق روسیه است به خاطر دارند که چطور مزدوران خلقی - پرچمی مهین را به نابودی کشانیدند و مردم ما را تکه تکه کردند. بهتر است که یک بار به خاطرات جانکاه زن مبارز افغان محترمه رحیمه توخی نظر افگند تا یک نمونه ای از شرارت و قساوت شوروی و مزدورانش را فهمید. فرقی بین استعمار شرق و غرب و تجاوز امریکا و شوروی نیست به شرط آن که وجدان سالم انسان های شریف و عاری از خیانت به کشور ملاک قضاوت قرار گیرد. مصیبت ناشی از تجاوز شوروی و حاکمیت خاینان خلقی - پرچمی بر مردم و کشور، افغانستان را سال ها به عقب برد و خاک ما را در دامن کثیف تاریک اندیشان تاریخ انداخت.

شاید قدرت های جهانی افغانستان را بین خود تقسیم کرده و منافع یک دیگر را در عدم موجودیت یک نظام مردمی و ملی در کشور احترام نمایند. در این صورت، نظام دست نشانده در کابل به جز تماشاگر نمی‌تواند چیزی دیگری باشد. شوروی سابق هم برای تخریب کشور ما از فعالیت های کلتوری آغاز نموده بود که بالاخره به تجاوز و اشغال افغانستان انجامید. در مرکز کلتوری روسیه ظاهراً موزیک، زبان روسی، رقص و سایر فعالیت های هنری به مرحله اجرا در خواهد آمد. این تازه اول کار است. سفیر روسیه در افغانستان (Andrey Avetisyan) اظهار داشت که "ما در منطقه هستیم و برای همیشه خواهیم ماند." با این گفته، روسیه به مقامات نظام پوشالی کابل می‌فهماند که شما نقشی در آمدن و نا آمدن ما در افغانستان نخواهید داشت. این ما هستیم که در این خصوص تصمیم می‌گیریم. سفیر روسیه همچنان خاطر نشان ساخت که "برای تأسیس روابط نیک همسایگی، از عنصر فرهنگ شروع می‌کنیم." تأسیس مرکز فرهنگی فقط برای امپریالیسم روسیه اعمار خواهد شد.

عنصر سیاسی و امنیتی را هم باید در نظر داشت. یکی از قومندانان قوای ایساف در افغانستان به تاریخ ۲۹ اکتوبر ۲۰۱۲ خاطر نشان ساخت که "وظیفه ما مجادله علیه تروریسم است. این مسؤولیت ما نیست که از افغانستان در مقابل حملات خارجی دفاع نمائیم." با وجودی که این گفته وضاحت ندارد، اما حد اقل نشان می‌دهد که در صورت تجاوزات پاکستان و ایران و سایر کشور های آسیای مرکزی به افغانستان، ناتو از افغانستان دفاع نخواهد کرد. پس دولت مزدور و ضعیف کابل سعی می‌ورزد این خلاء را با آوردن دوباره روسیه پر کند و کشور های متجاوز همسایه را از تاخت و تاز در افغانستان باز دارد. دولت کابل باید بداند که با دم شیر بازی کردن، خودش را به دیار عدم خواهد برد.

عنصر اقتصادی هم می‌تواند در محاسبه داخل گردد. کمپنی های روسی در پایپ لاین تایپی (ترکمنستان- افغانستان - پاکستان - هند) سرمایه گذاری نموده و دولت روسیه هم نقش خود را در آن بازی می‌نماید. این تحول ایجاب می‌کند که روسیه فعالانه در افغانستان حضور یابد و دستگاه های استخباراتی خود را دوباره احیاء نماید.

با برگشت روسیه به افغانستان و توسعه فعالیت های استخباراتی اف اس بی، عمال سابق شوروی و گروه های جمعیت اسلامی و شورای نظار جان تازه گرفته و سلول های خفته کی جی بی سابق بار دیگر به تکاپو خواهند افتاد. خلقیان - پرچمیان آواره و منتظر، روانه افغانستان خواهند شد و نقش مزدوری و پایبوسی خود را از سر خواهند گرفت.